

تصفیه‌های گسترده استالینی

-
- عنوان و نام پدیدآور: تصفیه‌های گسترده استالینی/ویراسته نوح برلاتسکی؛ ترجمه شهربانو صارمی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص: مصور، نقشه.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۱۱-۸
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Stalin's great purge c2013.
موضوع: استالین، یوسیف، ۱۸۷۸-۱۹۵۳ م.
موضوع: Stalin, Joseph, 1878-1953
- موضوع: حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی — پاکسازی
موضوع: Communist Party of the Soviet Union (CPSU) -- Purges
- موضوع: پاکسازی سیاسی — روسیه شوروی — تاریخ
موضوع: Political purges -- Soviet Union -- History
- موضوع: پاکسازی حزب‌های کمونیستی
موضوع: Communist party purges
- موضوع: پاکسازی سیاسی — روسیه شوروی — تاریخ — اسناد و مدارک
موضوع: Political purges -- Soviet Union -- History -- Sources
- موضوع: روسیه شوروی — سیاست و حکومت — ۱۹۳۶-۱۹۵۳ م.
موضوع: Soviet Union -- Political and Government -- 1936-1953
- موضوع: روسیه شوروی — سیاست و حکومت — ۱۹۳۶-۱۹۵۳ م. — مأخذ
موضوع: Soviet Union -- Political and Government -- 1936-1953 -- Sources
- موضوع: روسیه شوروی — اوضاع اجتماعی
موضوع: Soviet Union -- Social conditions
- موضوع: روسیه شوروی — اوضاع اجتماعی — مأخذ
موضوع: Soviet Union -- Social conditions -- Sources
- شناسه افزوده: برلاتسکی، نوآ، ویراستار
شناسه افزوده: Berlatsky, Noah
- شناسه افزوده: صارمی، شهربانو، ۱۳۴۳-، مترجم
رده‌بندی کنگره: DK ۲۶۸/۴
رده‌بندی دیویی: ۹۴۷/۰۸۴۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۷۱۳۳۹۵
-

چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان - ۵

تصفیه‌های گسترده استالینی

ویراسته نوح برلاتسکی
ترجمه شهربانو صارمی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Perspectives on Modern World History:

Stalin's Great Purge

Noah Berlatsky (Book Editor)

Greenhaven Press, 2013



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۰۲۱ ۶۶۴۰۸۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

ویراسته نوح برلاتسکی

تصفیه‌های گسترده استالینی

ترجمه شهربانو صارمی

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۱۱-۸

ISBN: 978-622-04-0411-8

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

- پیشگفتار..... ۹
- مقدمه ۱۳
- نقشهٔ جهان..... ۱۷

بخش اول: زمینهٔ تاریخی تصفیه‌های استالینی

- دیدگاه اول: نگاهی اجمالی به تصفیهٔ بزرگ ۲۲
- هیروآکی کورومیا
روایت یک مورخ از تصفیه‌های بزرگ و رؤوس کلی برخی از مباحث تاریخی پیرامون آن.
- دیدگاه دوم: مصایبی که برنامهٔ پنج‌سالهٔ استالین آفرید ۳۲
- گرت جونز
توصیف روزنامه‌نگار ولزی از اوضاع روسیه در اوایل دههٔ ۱۹۳۰.
- دیدگاه سوم: بازجویی‌های همراه با شکنجه در تصفیه‌ها..... ۳۷
- بیل جیمز
گفته‌های نویسندهٔ استرالیایی در کتابی دربارهٔ تجربیات زندانیان گولاگ.
- دیدگاه چهارم: محاکمهٔ پزشکان متهم به توطئه..... ۴۳
- پراودا
ارگان رسمی شوروی پزشکان یهودی را به خیانت متهم می‌کند.
- دیدگاه پنجم: جانشین استالین او و تصفیه‌هایش را محکوم می‌کند..... ۴۹
- نیکیتا خروشچف
جانشین استالین کیش شخصیت استالین و استفاده از وحشت را محکوم می‌کند.

بخش دوم: مباحث پیرامونی تصفیه‌های گستردهٔ استالینی

- دیدگاه اول: تصفیه واکتشی منطقی به فساد حزب کمونیست بود..... ۵۶
- ماریو سوزا

نویسنده کمونیست سوئدی معتقد است حزب کمونیست روسیه در دهه ۱۹۳۰ فاسد بود و تلاش‌های استالین برای پاکسازی آن ضرورت داشت.

دیدگاه دوم: تصفیه ابزاری بود در دست استالین برای تثبیت بی‌رحمانه قدرت ۶۵

راب سیوئل

بنا بر استدلال این نویسنده مارکسیست، استالین از تصفیه برای تحکیم قدرت بوروکراتیک خود و خیانت به انقلاب کمونیستی استفاده کرد.

دیدگاه سوم: تصفیه نتیجه نابخردانه پارانویای استالین بود ۷۱

رابرت اس. رابینز و جروولد ام. پست

بنا بر استدلال این دو روان‌شناس سیاسی، آسیب‌های روحی استالین محرک این تصفیه‌ها بود.

دیدگاه چهارم: میزان کشته‌های دوران حکومت استالین کم برآورد شده است ۸۰

آر. جی. رومل

بنا بر استدلال این استاد علوم سیاسی، استالین مسئول مرگ بیش از ۲۰ میلیون نفری است که که ادعا شده باعث مرگشان شده است.

دیدگاه پنجم: مبالغه در تعداد کشته‌های دوران استالین ۸۴

تیموتی اسنایدر

بنا بر استدلال این استاد تاریخ، برآوردهای قبلی از کشته‌های دوران حکومت استالین با شواهد جدید سیر نزولی یافته و نشان می‌دهد که تعداد افرادی که به دستور استالین کشته شدند بیشتر از آن‌هایی نبود که به دستور هیتلر به قتل رسیدند.

دیدگاه ششم: جنایات استالین کمتر از هیتلر نبود ۹۰

رون روزنباوم

بنا بر استدلال خبرنگار آمریکایی، جنایات استالین به اندازه جنایات هیتلر هولناک و اهریمنی بود.

دیدگاه هفتم: استالین به بدی هیتلر نبود ۹۹

آویشای مارگالیت

بنا بر استدلال این استاد فلسفه، از تعداد دقیق کشته‌شدگان که بگذریم، نازیسم به لحاظ فلسفی بسیار اهریمنی‌تر از استالینیسم بود.

دیدگاه هشتم: استالین هنوز در روسیه محبوب است ۱۰۷

آدریان بلامفیلد

به گفته این خبرنگار، حکومت روسیه و روس‌ها حسرت‌ثبات و قدرت دوران استالین را می‌خورند.

دیدگاه نهم: استالین در روسیه امروزی محبوبیتی ندارد ۱۱۰

توماس شرلوک

بنا بر استدلال این استاد علوم سیاسی، حکومت روسیه و مردم این کشور به شدت منتقد استالین هستند.

بخش سوم: روایت‌های شخصی

- دیدگاه اول: به یاد روسیه شوروی دوران استالین ۱۱۸
- اوئن متیوز
نویسنده از تجربیات آکساندر سولزنیستین – و پدر بزرگ خودش – در گولاگ می‌گوید.
- دیدگاه دوم: روایت دختری روس از دوران کودکی‌اش در دوران وحشت استالین ۱۲۴
- نینا مارکفنا
زنی که در دوران وحشت استالین کودک خردسالی بوده از خاطراتش می‌گوید.
- دیدگاه سوم: نیکیتا خروشچف به تقبیح استالین و تصفیه‌های او می‌پردازد ۱۳۳
- نیکیتا خروشچف
جانشین استالین و رهبر اتحاد شوروی از تجربیات شخصی‌اش با استالین و تصفیه‌های او می‌گوید.
- دیدگاه چهارم: دادگاه اسلانسکی ۱۳۷
- گئورگ اچ. هودوس
یکی از جان‌به‌در برده‌های مجارستانی از تجربه‌اش در دادگاه‌های نمایشی استالینی می‌گوید.
- دیدگاه پنجم: خاطره زن جوان روس از گولاگ ۱۴۱
- تامارا پتکوویچ
زنی جوان که از خاطراتش در اردوگاه‌های کار اجباری شوروی می‌گوید.
- فهرست اصطلاحات ۱۵۱
- گاهشمار ۱۵۳
- برای مطالعه بیشتر ۱۵۵
- نمایه ۱۵۷

پیشگفتار

«تاریخ برای آینده برنامه‌ای به ما نمی‌دهد، اما می‌تواند درکی کامل‌تر از خود ما و طبیعت بشریِ مشترکمان ارائه کند، از این رو بهتر می‌توانیم با آینده مواجه شویم.»

— رابرت پن وارن
شاعر و داستان‌نویس آمریکایی

در تاریخ هر ملت رویدادهای سرنوشت‌سازی وجود دارد که برای آن ملت در حکم نقطه عطف است و تأثیری فراتر از مرزهای آن دارد. این رویدادها — که دربرگیرنده طیف کاملی از خصایص بشری است، از جمله خشونت، طمع و جهالت، و همچنین رشادت، دلاوری و قدرت — تقریباً همیشه پیچیده است و جنبه‌های مختلفی دارد. دانشجوی تاریخ با مسائل چالش‌برانگیز بسیاری مواجه است، با رویدادهایی مانند جنگ، جنبش‌های اجتماعی و بلایای زیست‌محیطی که دنیا را دگرگون می‌کند. اما درک این رخدادهای مهم تاریخی در صورتی بهتر می‌شوند که از منظرهای گوناگون بررسی شوند؛ بررسی از دیدگاه افرادی که از نزدیک شاهد وقایع بوده‌اند یا از فاصله مکانی و زمانی دور آن را رصد کرده‌اند. این درک با فهم مباحث پیرامونی و کندوکاو در رویدادها و مسائل مهم از زوایای متفاوت بیشتر می‌شود. سرانجام، درک واقعی رویدادهای مهم تاریخی مستلزم اطلاع از تأثیر رویدادها بر انسان — شیوه‌های اثرگذاری این رویدادها بر زندگی روزانه مردم — در سراسر دنیاست.

مجموعه کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» رویدادهای تاریخی دنیا را از قرن بیستم به بعد با ارائه تحلیل و از دیدگاه‌های مختلف بررسی می‌کند. کتاب‌های این مجموعه به دانش‌آموزان، دانشجویان و افراد علاقه‌مند گزیده‌ای از رویدادهای مهم تاریخ ارائه می‌کنند که پیش‌تر منتشر شده است، البته با توجه به پوشش بین‌المللی آن. هر جلد با اطلاعات زمینه‌ای درباره رویداد شروع می‌شود، بعد به مباحث پیرامونی آن می‌پردازد، و با روایت‌های اول‌شخص افرادی به پایان می‌رسد که در صحنه حضور داشته‌اند یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند. این مجموعه می‌تواند با استفاده از منابع اصلی مربوط به زمان رویداد و نیز گزارش‌های مناسب در آن زمینه در شکل‌گیری بحث، کمک به رشد

مهارت‌های تفکر نقادانه، افزایش آگاهی از جهان، و افزایش درک چشم‌انداز بین‌المللی از تاریخ مفید باشد.

مطالب از منابع مختلف از جمله نشریات، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌های غیرداستانی، روایت‌های شخصی، سخنرانی‌ها، شهادت‌ها در مجامع، اسناد دولتی، جزوات، بولتن‌های خبری سازمانی، و مقالات انتخاب شده‌اند. مقالات برگرفته از این منابع به دقت تصحیح شده و برای تهیه متن استفاده شده است. هر جلد از کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» حاوی دیدگاه‌های مختلف درباره رویدادهای پراهمیت دنیاست. بیشتر مطالب از منابع بین‌المللی و منابع ایالات متحده است که پوشش بین‌المللی وسیعی داشته است.

هر جلد از سری کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» دربرگیرنده موارد زیر است:

- نقشه جهان که نمایی از متن و جغرافیا ارائه می‌کند.
 - فهرست مطالب به شکل توضیحی که خلاصه کوتاهی از هر مقاله تحقیقی در کتاب ارائه می‌کند.
 - مقدمه که خاص موضوع آن کتاب ارائه شده است.
 - برای هر دیدگاه یک معرفی کوتاه درباره مؤلف و منبع نوشتار او با خلاصه‌ای از نکات اصلی ارائه شده است.
 - جداول، نمودارها، نقشه‌ها و دیگر تصاویر مربوطه.
 - کادرهای حاشیه‌ای که اطلاعاتی درباره زندگی افراد محوری و رویدادهای تاریخی می‌دهد یا به توضیح مفاهیم علمی یا فنی می‌پردازد.
 - فهرست اصطلاحات برای تعریف اصطلاحات اصلی مورد نیاز.
 - گاهشمار از رویدادهای مهم قبل، همزمان و بلافاصله بعد از آن.
 - کتاب‌شناسی برای معرفی کتاب‌های بیشتر، نشریات ادواری و وبسایت‌ها برای تحقیقات بیشتر.
 - نمایه جامع برای دسترسی به افراد، مکان‌ها و رویدادهای نقل شده در متن.
- «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» برای طیف وسیعی از خوانندگان طراحی شده است، افرادی که می‌خواهند نه تنها درباره تاریخ بلکه درباره رویدادهای جاری، سیاست، حکومت، روابط بین‌المللی، و جامعه‌شناسی بیشتر بدانند — دانش‌آموزان و دانشجویانی که برای انجام دادن تکالیف یا در مورد بحث‌های کلاسی تحقیق می‌کنند، معلمان و

کادر آموزشی که به دنبال مطالب تکمیلی اند، و آنهایی که می‌خواهند تاریخ را بهتر بفهمند. هر جلد از کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» طوری تدوین شده تا رویدادی پیچیده را توضیح دهد، جرقه بحث را بزند، و دیدگاه بشری پس‌پشت مهم‌ترین رویدادهای جهان در دهه‌های اخیر را نشان دهد.

مقدمه

امروزه در غرب ژوزف استالین را یکی از بی‌رحم‌ترین خودکامگان و جانان تاریخ می‌شناسند، اما زمانی که قدرت را در دست داشت بسیاری در غرب از رژیم او حمایت می‌کردند. مثلاً جورج برنارد شاو، نمایشنامه‌نویس بریتانیایی، از دادگاه‌های نمایشی رهبران سالخورده انقلاب به دستور استالین دفاع می‌کرد و می‌گفت بعضی وقت‌ها چنین افرادی را «باید با طنابی دور گردنشان از نردبان هل داد». پابلو نرودا شاعر بزرگ شیلیایی نیز از جمله کسانی بود که استالین را تحسین می‌کرد، و همچنین ژان پل سارتر فیلسوف فرانسوی. والتر دورانتی، گزارشگر نیویورک تایمز، استالین را «بزرگ‌ترین سیاستمدار در قید حیات» می‌نامید. دورانتی گزارش‌های مربوط به قحطی وحشتناک اوکراین را، که میلیون‌ها نفر بر اثر سیاست‌های استالین از گرسنگی تلف شدند، انکار می‌کرد. دورانتی اصرار داشت که وقتی به آن منطقه سفر کرده مردم را «سالم‌تر و شادتر» از چیزی دیده که انتظارش را داشته است. بسیاری دیگر — از جمله کمونیست‌هایی که در دهه ۱۹۳۰ با رژیم فاشیستی اسپانیا می‌جنگیدند تا کمونیست‌ها و گروه‌های چپ‌گرای بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده — استالین را قهرمان می‌دانستند و اتحاد شوروی را آرمانشهری بالقوه. چطور امکان داشت این همه آدم حامی فرمانروایی چنین هولناک باشند؟ مفسران پاسخ‌های مختلفی برای این پرسش دارند. بنا بر استدلال برخی نویسندگان محافظه‌کار، میان لیبرالیسم و استالینیسم پیوندی وجود دارد. به گفته آن‌ها، چپ‌گراها استالین را تأیید می‌کردند چون ایدئولوژی چپ‌گراها به استالینیسم منتهی می‌شد. مثلاً جیمز لوئیس در مقاله‌ای در *آمریکن تینکر*^۱ در ۱۲ اوت ۲۰۰۹، می‌گوید باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا ارتباطات زیادی با چپ‌های رادیکالی داشت که معتقد بودند دشمنان آن‌ها اهریمنانی هستند که باید نابود شوند. به گفته لوئیس، «استالین مرده است اما استالینیسم زنده است زیرا به نظر می‌رسد آن نوع از 'ایدئالیسم' بی‌احساس، حسابگر و ویرانگر خوشایند بعضی از شخصیت‌هاست.»

بروس اس. تورنتون در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ در مقاله‌ای در *سیتی ژورنال*^۲ می‌گوید: «داستان

1. *American Thinker*

2. *City Journal*

عاشقانه چپ‌گرایان غرب با برخی از سفاک‌ترین رژیم‌ها و جنبش‌های سیاسی تاریخ داستانی است که به قدر کفایت از آن سخن گفته نشده است.» او می‌گوید جذابیت استالین برای چپ‌گراها چیزی مثل جذابیت دیگر رژیم‌های کمونیستی تبه‌کار مانند رژیم مائو تسه‌تونگ در چین است. بنا بر استدلال او، این امر شبیه دفاع چپ‌گرایان از اسلام رادیکال است. تورنتون نتیجه می‌گیرد که چپ‌گراها مدام به «نهادها و آرمان‌هایی» حمله کرده‌اند که در پی آزادی، دموکراسی و وفور نعمت هستند. او می‌گوید بخشی از این حملات «ستایش از دشمنانی است که به دنبال نابودی همه این چیزهای خوب هستند». به این ترتیب از نظر تورنتون، حمایت چپ‌گرایان از استالین در واقع حمله آن‌ها به بشریت و شایستگی است. دیگر مفسران این دیدگاه را رد می‌کنند که در ذات دیدگاه‌های لیبرال یا رادیکال چیزی وجود دارد که باعث جذابیت استالین می‌شود. بسیاری از منتقدان می‌گویند چپ‌گراها فریب حرف‌های استالین را خوردند که مدعی خلق جامعه‌ای برابر و عدالت‌محور بود. مثلاً جان کوئیگین، اقتصاددان استرالیایی، می‌گوید کسانی که از استالین پشتیبانی می‌کنند «شاید در ارزیابی خود از اتحاد شوروی به‌درستی به ساده‌لوحی و خیال‌خام متهم شوند، اما این حمایت بدان معنی نیست که بذر تمامیت‌خواهی در فکر و اندیشه خود آن‌ها هم وجود دارد». برایان لندرز در کتابش با عنوان امپریالیسم آمریکایی و روسی استدلال می‌کند که استالین برای «هزاران مرد و زن جذابیت دارد ... برای کسانی که نیاز دارند باور کنند رفتارهای غیرانسانی، نابرابری‌ها، و بهره‌کشی‌هایی که در جوامع خود شاهدش هستند ممکن است پایان یابد.»

برخی حمایت‌ها از استالین در خارج از اتحاد شوروی با ملاحظات عملی همراه بود. مثلاً در زمان جنگ داخلی اسپانیا، شورشیانی که با رژیم فاشیستی و خودکامه فرانسیسکو فرانکو می‌جنگیدند از رژیم استالین درخواست کمک داشتند. اما گلدمن، فعال آمریکایی کمونیست و مخالف استالینیسم، می‌گوید: «کجایش عجیب است که [نیروهای مخالف فرانکو] استالین را منجی خود در جنگ ضدفاشیستی بدانند؟»

وینستون چرچیل، نخست‌وزیر بریتانیای کبیر، هم در زمان جنگ جهانی دوم به شدت نیازمند کمک اتحاد شوروی در نبرد با آلمان نازی بود. شاید تا حدی به همین دلیل بود که چرچیل استالین را مردی منطقی و متحدی باارزش می‌دانست. در سال ۱۹۴۵، استالین میلیون‌ها نفر را کشته بود و کشتار هولناک لهستان را به راه انداخته بود. با این همه چرچیل در نامه‌ای محرمانه نوشت: «مطمئنم راه و روش استالین برای دنیا و لهستان خوب است.»

اگر خواب و خیال‌های چرچیل درباره استالین ساده‌لوحانه بود، رویکرد دولت آمریکا در مورد استالین نابخردانه‌تر بود. ظاهراً جوزف دیویس، سفیر آمریکا در روسیه، مصمم بود هر گونه نابکاری استالین را نادیده بگیرد. رونالد ردوش در مقاله‌ای در نشنال ریویو نوشت: «وقتی مارجرى مریودر پُست، همسر دیویس، شب با صدای شلیک پلیس مخفی شوروی [ان‌کاود] در خیابان‌ها که زندانی‌ها را می‌کشتند از خواب پرید، شوهرش گفت احتمالاً صدای حفاری مترو تازه استالین در مسکو است.» دیویس در دادگاه‌های نمایشی مخالفان سیاسی استالین در سال ۱۹۳۶ حاضر شد و ادعا کرد اعترافاتی که زیر شکنجه از آن‌ها گرفته شده واقعی است. گزارش‌های دیویس خوشایند و اشنینگتن بود، جایی که فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهور آمریکا، سعی داشت در مقابل خطر رو به رشد آلمان نازی با اتحاد شوروی متحد شود.

با این حال در آن زمان همه فریب استالین را نخوردند. ویلیام بولیت، که قبل از دیویس سفیر آمریکا در روسیه بود، به‌درستی استالین را متهم به «کشتار جمعی» کرد. اما گلدمن، آنارشیست و فعال کمونیست آمریکایی، بارها استالین را محکوم کرد. او در سال ۱۹۳۵ نوشت:

در دنیای متمدن امروز، در اتحاد شوروی بیش از هر جای دیگری تروریسم دولتی در جریان است، چرا که استالین در صدد است میلیون‌ها دهقان کله‌شق را رام کند و آن‌ها را به بیگاری بکشانند. نفرت عمومی از رژیم دلیلی است برای کارشکنی صنعتی در روسیه، اختلال در حمل و نقل بعد از شانزده سال مدیریت عملاً نظامی، قحطی هولناک در جنوب و جنوب‌شرق علی‌رغم شرایط طبیعی مساعد و وجود شدیدترین تمهیدات برای مجبور کردن روستاییان به کاشت و برداشت، حتی علی‌رغم امحای گسترده و تبعید بیش از یک میلیون روستایی به اردوگاه‌های کار اجباری.

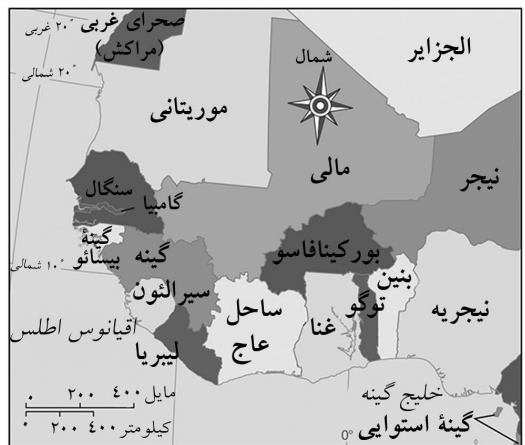
در سال ۱۹۵۶، نیکیتا خروشچف، جانشین استالین، در یک سخنرانی استالین را به کشتار ناعادلانه و زندانی کردن مخالفان خود محکوم کرد. با علنی شدن جنایات استالین، مقام و موقعیت بسیاری از کسانی که او را ستایش کرده بودند مورد بازنگری قرار گرفت. حزب کمونیست آمریکا، که پیش‌تر تضعیف شده بود، هزاران تن از اعضای خود را از دست داد. بسیاری که صراحتاً از استالین حمایت می‌کردند، از جمله پیترو سیگر خواننده، او را طرد کردند (سیگر گفت فکر می‌کرده استالین فردی «بلندپرواز» است اما فهمیده «ستمکاری فریبکار» بیش نیست). بعضی‌ها که از کمونیسم حمایت کرده بودند باورهای محافظه‌کارانه‌تری پیدا کردند. به گفته جان کوئیگین، بقیه «به‌سادگی قضاوت اشتباه خود

را پذیرفتند و دیدگاه شکاکانه‌تری در زندگی پیدا کردند و این در حالی بود که هنوز باورهای پیشین خود را حفظ کرده بودند».

امروزه کسانی در روسیه هنوز استالین را به دلیل قدرت بخشیدن به روسیه و پیروزی در جنگ جهانی دوم تحسین می‌کنند. حتی در غرب هم کسانی پیدا می‌شوند که همچنان طرفدار استالین باشند؛ «انجمن استالین در بریتانیای کبیر» به طور مرتب تشکیل جلسه می‌دهد تا درباره میراث او به بحث بپردازد و او را تحسین کند. یوهان هری در مقاله‌ای که ۱۰ ژوئن ۲۰۰۲ در نیو استیتزمن^۱ چاپ شد نوشت، تعداد اعضای انجمن استالین اندک و بیشتر افراد «سالخورده و از کار افتاده» هستند. در غرب بسیاری استالین را از لحاظ شخصیت شبیه هیتلر می‌دانند و تعداد انگشت‌شماری هستند که او را تحسین می‌کنند یا به دنبال تقلید از او هستند.

در چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان: تصفیه‌های گسترده استالینی، مؤلفان تحلیل‌های گوناگونی درباره دوران استبدادی استالین در اتحاد شوروی و تأثیر پایدار رژیم او بر جهان امروزی ارائه می‌کنند.

نقشه جهان





بخش اول
زمینه تاریخی تصفیه‌های استالینی



دیدگاه اول

نگاهی اجمالی به تصفیه بزرگ

هیروآکی کورومیا^۱

در دیدگاه زیر هیروآکی توضیح می‌دهد که دو نوع تصفیه در روسیه انجام گرفته است. اولی طرد مخالفان سیاسی از حزب کمونیست بود. تصفیه دوم استفاده حساب‌شده از سلاح ترور سیاسی برای کشتن یا محبوس کردن تعداد زیادی از مخالفان واقعی و واهی بود. این شکل از ترور در سراسر دوران سیطره کمونیسم به کار رفت، اما در دوران ژوزف استالین، به‌ویژه سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۸ به اوج رسید. به گفته نویسنده، استالین از ابزار تصفیه برای واداشتن مردم به اطاعت از سیاست‌های منفوری مانند اشتراکی کردن مزارع کشاورزی استفاده کرد که باعث قحطی گسترده در اوکراین و مناطق دیگر شد. او می‌نویسد تصفیه‌ها در دهه ۱۹۵۰، هرچند با سببیت و تلفات کمتر، ادامه یافت. هیروآکی کورومیا استاد تاریخ دانشگاه ایندیانا و نویسنده کتاب استالین است.

واژه تصفیه طنین شومی دارد چرا که یادآور دوران وحشت در کشورهای کمونیستی است. در واقع از لحاظ تاریخی بیانگر دو عملیات سیاسی مشخص در اتحاد شوروی است. یکی به روندی مربوط می‌شود که طی آن نهادهایی مانند ادارات دولتی و حزب کمونیست کارمندانی را که گمان می‌رفت دارای انحراف سیاسی یا به لحاظ حرفه‌ای ناکارآمد

عکس صفحه قبل: مجسمه ژوزف استالین که به افتخار او در میدان اصلی شهر گوری در گرجستان، زادگاه وی، نصب شده است. هرچند هنوز عده‌ای او را ستایش می‌کنند، به باور عموم او دیکتاتوری بی‌رحم بود.
(© Cliff Volpe/Getty Images.)

هستند اخراج (تصفیه) کردند: بازمانده‌های رژیم گذشته، اعضای سابق احزاب سیاسی غیربلشویک،^(۱) افراد متمایل به مخالفان سیاسی، و کسانی که به لحاظ سیاسی غیرقابل اعتماد یا به لحاظ حرفه‌ای ناکارآمد بودند. دیگری سرکوب سیاسی و ترور بود، به عبارتی تصفیه جامعه از «دشمنان».

1. Hiroaki Kuromiya, *Europe Since 1914: Encyclopedia of the Age of War and Reconstruction*, ed. John Merriman and Jay Winter. Belmont, CA: Charles Scribner's Sons, 2006, pp. 2131–2136. EUR 1914–2002 5V SET. © 2006 Gale, a part of Cengage Learning, Inc.

تصفیه، روند عادی پاکسازی

روند اول لزوماً عاری از وحشت نبود، اما بدان معنی هم نبود که عملیات هولناکی صورت گرفته باشد. «پاکسازی‌های» پی‌درپی درون حزب کمونیست معروف است. این پاکسازی‌ها به اخراج نازی‌ها از نهادهای دولتی آلمان پس از جنگ یا اخراج افراد مرتبط با پلیس مخفی و ترورهای سیاسی در اروپای شرقی پس از کمونیسم بی‌شبهت نیست، این پاکسازی‌ها به معنی محفوظ نگه داشتن حزب از شر فرصت‌طلبان و دیگر عناصر نامطلوب بود. دو مسئله تصفیه‌های حزبی را گریزناپذیر می‌کرد. یکی آن‌که حزب نیازمند شالوده سیاسی گسترده بود و می‌خواست بر تعداد اعضای خود بیفزاید، همان کاری که در سال ۱۹۱۷ وقتی حزب از خفا به درآمد و به سرعت توسعه یافت انجام داد؛ حزب مجبور بود خلوص و یکدستی خود را به عنوان حزب کمونیست پیشرو حفظ کند. دیگر آن‌که نظام تک‌حزبی دیکتاتوری و فقدان تکثرگرایی تصفیه را الزامی می‌ساخت. افرادی که می‌خواستند فعالیت سیاسی داشته باشند، حتی آن‌هایی که با حزب کمونیست سر سازگاری نداشتند، چون جایی برای رفتن نداشتند پس وارد حزب کمونیست می‌شدند و در داخل حزب کمونیست مترصد فرصتی برای باز شدن راهی پیش‌پا نشان می‌ماندند، از این رو حزب از سوی مخالفانی که بایست کنار گذاشته می‌شدند تضعیف می‌شد. پژوهشگران حامی «تمامیت‌خواهی» نظریه‌ای پیچیده برای حفظ شور و شوق انقلابی حزب با حذف فساد و کجروی ساختند که «تصفیه مداوم» را ضروری می‌ساخت.

وقتی رهبران حزب تصمیم به تغییر ناگهانی و بنیادی خط مشی خود گرفتند متوجه شدند روند تصفیه دایم کفاف نمی‌دهد. از این رو حزب کمونیست به صورت دوره‌ای دست به دامان عملیات تصفیه در سطح حزبی شد. در فاصله سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۹، که حزب به شدت درگیر جنگ داخلی با ضدانقلابیون بود، تصفیه‌هایی رخ داده بود.^(۲) اولین عملیات بزرگ تصفیه در سطح حزبی در فاصله سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۲۲ رخ داد، یعنی هنگامی که حزب به سبب الزامات اقتصادی مجبور شد با از سرگیری دوباره و جزئی روابط بازارمحور از جنگ انقلابی به بازسازی اقتصادی صلح‌آمیز عقب‌نشینی کند («سیاست اقتصادی نوین» یا ان‌ای‌پ). این تصفیه تعداد اعضا را تقریباً به یک‌چهارم کاهش داد. تصفیه با گسترش سریع صفوف حزب در اواسط دهه ۱۹۲۰، به‌ویژه پس از مرگ ولادیمیر ایلیچ لنین رهبر حزب، با عضوگیری اختصاصی از میان کارگران دنبال شد. اواخر دهه ۱۹۲۰ ژوزف استالین پیروز جنگ قدرت در میان نخبگان حزب بود و با پایان دادن به سیاست اقتصادی نوین، «انقلاب از بالا» (صنعتی‌سازی سریع و اشتراکی‌سازی گسترده) [مزارع

کشاورزی]^۱) را به تصویب رساند. این قانون آغازگر یک تصفیه حزبی گسترده دیگر بود، به ظاهر برای تقویت «طرفیت مبارزه»ی حزب. این تصفیه با جذب نیرو برای هرچه بیشتر «پرولتاریایی کردن» همزمان شد. اما در سال ۱۹۳۳ که «انقلاب از بالا»ی استالین به دلیل قحطی گسترده با بحران شدید مواجه شده بود عضوگیری پایان گرفت و تصفیه حزبی دیگری به اجرا درآمد. رهبری حزب دریافت بسیاری از کارمندان قابل اعتماد پیشین موافق اقتصاد سختگیرانه نیستند و تمهیدات سیاسی اتخاذشده از عهده بحران قحطی بر نمی‌آید. در نتیجه تعداد بسیار زیادی از اعضای حزب قربانی این تصفیه شدند. تصفیه سال ۱۹۳۳ باز هم نتوانست رهبران حزب را راضی کند، آن‌ها طی چند سال آینده به اشکال مختلف به کنترل اعضا ادامه دادند. این روند از اواسط تا اواخر دهه ۱۹۳۰ با تهدید فزاینده جنگ [جنگ جهانی دوم]، تصفیه نوع دوم، ترور و سرکوب تلفیق شد. به این ترتیب از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۸ اعضای حزب کمونیست بیش از ۴۰ درصد کاهش یافت و از ۳/۵ میلیون نفر به ۱/۹ میلیون نفر رسید.

تصفیه‌های دهه ۱۹۳۰ مشکلات زیادی به وجود آورد، با هرج و مرج در حسابداری شروع شد و با نابود کردن زندگی تعداد زیادی از اعضای وفادار حزب به پایان رسید. چنان تجربه تلخی بود که استالین در خطابه کنگره هجدهم حزب در سال

تصفیه‌های دهه ۱۹۳۰ مشکلات زیادی به وجود آورد، با هرج و مرج در حسابداری شروع شد و با نابود کردن زندگی تعداد زیادی از اعضای وفادار حزب به پایان رسید.

۱۹۳۹ گفت با این که عملیات تصفیه با طرد افرادی که از لحاظ سیاسی قابل اعتماد نبودند پایه‌های حزب را استوار کرد، اما اشتباهات بدی هم رخ داد و دیگر لازم نیست حزب به پاکسازی‌های انبوه بیشتر متوسل شود. در واقع چنین عملیات‌های گسترده‌ای رسماً منسوخ گردید و هرگز تکرار نشد.

این به معنی متوقف شدن تصفیه‌های معمول همیشگی نبود. چنین تصفیه‌هایی ادامه یافت. از این گذشته، تصفیه‌های محلی نیز در مناطق مختلف کشور انجام گرفت، مثلاً در مناطقی از اتحاد شوروی که در جنگ جهانی دوم اشغال شد (از جمله اتحادیه جمهوری‌های تازه الحاق شده مانند کشورهای حوزه بالتیک) اعضایی که مشکوک به فرار، همکاری با نیروی دشمن و دیگر جرایم بودند پاکسازی شدند.

۱. قلاب‌هایی که در متن آمده از متن اصلی است. — م.



داستان نویسی که شاهد تصفیه‌ها بود وحشت آن دوران را از نو به تصویر می‌کشد

راه‌پله سرد و تاریک و کاملاً ساکت بود. یکی از دو مأمور کمیساریای امور داخلی که جوان‌تر بود می‌خواست با شلیک گلوله قفل در را بشکنند. واسیلی به در سمت چپی تکیه کرد؛ وقت نکرده بود پوتین‌هایش را درست بپوشد، و دست‌هایش چنان می‌لرزید که نمی‌توانست بندهای پوتینش را گره بزند. آن‌که مسن‌تر بود مخالف شلیک کردن بود؛ دستگیری بایست با احتیاط انجام می‌گرفت. هر دو دست‌های سردشان را با نفس خود گرم کردند و دوباره به در کوبیدند؛ مرد جوان‌تر با قنداق رولورش روی آن کوبید. چند طبقه پایین‌تر زنی با صدای گوشخراش سرشان داد زد. مرد جوان به واسیلی گفت: «بگو صدایش را ببرد.» واسیلی داد زد: «ساکت باش، مأموریم.» زن فوراً ساکت شد. مرد جوان تصمیم گرفت با لگد در را بشکند. سرو صدا راه‌پله را پر کرد؛ بالاخره در باز شد.

هر سه نفرشان کنار تخت روباشف ایستادند: مرد جوان اسلحه به دست ایستاد؛ مرد مسن‌تر خودش را سخت و سفت گرفته بود انگار که خبردار ایستاده است؛ واسیلی چند قدم دورتر ایستاد و به دیوار تکیه داد. روباشف همان‌طور که داشت عرق پشت گردنش را خشک می‌کرد، با چشمان خواب‌آلود نگاهی سرسری به آن‌ها انداخت. مرد جوان گفت: «همشهری روباشف، نیکلاس سالمانوویچ، شما را به نام قانون دستگیر می‌کنیم.»

منبع:

Arthur Koestler, *Darkness at Noon: A Novel*. New York: Scribner, 1941, pp. 6-7.

تصفیه با کشتن مخالفان

تصفیه بلافاصله پس از انقلاب اکتبر [انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷] با کشتن مخالفان شروع شد. حکومت انقلابی جدید پس از انقلاب و برای مقابله با نیروهای ضدانقلاب بی‌درنگ سازمان پلیس مخفی (چکا) را تأسیس کرد. در طول جنگ داخلی (۱۹۱۸-۱۹۲۱) فرمان مرگ حدود ۱۵۰,۰۰۰ نفر در کشور صادر شد. این رقم احتمالاً کمتر از میزان واقعی است. در دوران سیاست اقتصادی نوین (۱۹۲۱-۱۹۲۷)، که نسبتاً آرام گذشت، پلیس مخفی (از سال ۱۹۲۳، اگ‌پ‌او) حکم مرگ تقریباً ۱۰,۰۰۰ نفر («مجرم سیاسی») را صادر کرد. «انقلاب از بالا»ی استالین، که چرخشی سریع از سیاست اقتصادی نوین بود و با مقاومت در داخل حزب و حکومت و جامعه شوروی روبه‌رو شد، افزایش سریع تعداد اعدام‌های سیاسی را در پی داشت. در مدت چهار سال، از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۱، بیش از ۳۰,۰۰۰ نفر به سبب جرایم سیاسی در کشور محکوم به مرگ شدند...

این ارقام فقط نوک کوه یخ است. در مدت چهار سال «انقلاب از بالا»ی استالین تقریباً نیم‌میلیون نفر، ظاهراً به دلیل جرایم سیاسی و اقتصادی (مانند «خرابکاری اقتصادی») دستگیر و بیشتر آن‌ها به زندان یا تبعید محکوم شدند. در این زمان بود که گولاگ‌ها (اردوگاه‌های کار اجباری بدنام شوروی) به سرعت گسترش یافتند. در ماجرای اشتراکی کردن مزارع، حزب دست به تصفیه کولاک‌ها (روستاییان ثروتمند) زد، آن‌ها و حامیانشان را «دشمن طبقاتی» (بورژوازی روستایی) نامید. در عملیات کولاک‌زدایی از بیش از سه میلیون روستایی سلب مالکیت شد. از این گذشته، در فاصله سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۲ بیش از ده میلیون نفر از مناطق روستایی به شهر گریختند، تعداد زیادی از آن‌ها مجبور به فرار شدند. تا جایی که از احکام مرگ صادر شده برمی‌آید وقتی اهداف فوری «انقلاب از بالا»ی استالین حاصل شد، عملیات پاکسازی تا حدی فروکش کرد — در حدود ۷,۰۰۰ نفر کمتر از سال‌های قبل. البته تعداد دستگیرشدگان همچنان زیاد بود، تقریباً بالغ بر نیم‌میلیون نفر. در واقع استالین از تصفیه سیاسی برای حذف مخالفان در زمان قحطی ۱۹۳۲-۱۹۳۳ استفاده کرد (قحطی خود باعث تلف شدن چند میلیون نفر شد). بحران قحطی و ترور که با آن برابری می‌کرد نشانه دوران تازه‌ای در تاریخ تصفیه شوروی بود. تا آن زمان هدف اصلی تصفیه «دشمن طبقاتی» بود، اما در دوران بحران قحطی هدف با ظرافت از «دشمن طبقاتی» به «دشمن خلق» تغییر کرد. این تصویر جدید از دشمن بی‌طبقه عملاً شامل همگان می‌شد، از جمله اعضای آزموده‌شده و قابل اعتماد حزب. آندری ویشینسکی، دادستان مشهور شوروی دوران استالین، در سال ۱۹۳۳ نوشت که دشمن بعد از شکست در جنگ، اکنون بیشتر به «تضعیف بی‌سروصدا» متوسل شده تا حمله رودر روی مستقیم، و به دنبال سرپوش گذاشتن بر اعمال ویران‌کننده خود با انواع «دلایل عینی» و «نقایص» است و علت این حوادث «بدخواهی عمدی انسان نبوده است». به این ترتیب ویشینسکی تأکید داشت که دشمن «چندان قابل شناسایی نیست و از این رو امکان مزوی کردن او کمتر شده است».

این تصویر جدید از دشمن بی‌طبقه عملاً شامل همگان می‌شد، از جمله اعضای آزموده‌شده و قابل اعتماد حزب.

این سخنان بدان معنی بود که تصفیه گسترده برای از بین بردن دشمن پنهان امری اجتناب‌ناپذیر است، حتی اگر بهای آن زندگی بی‌گناهان باشد. در واقع از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۴ دستگیری اعضای حزب کمونیست به تعداد زیاد و حتی اعدام آن‌ها به عنوان دشمن شروع شد. بعد از آن بود که به سبب تهدید بین‌المللی شرق (ژاپن) و غرب (آلمان)، خارجی‌ها،

آن دسته از شهروندان شوروی که در خارج از کشور به دنیا آمده بودند، و کسانی که با آن‌ها در ارتباط بودند مظنون واقع شدند و تعداد زیادی از آن‌ها تصفیه شدند. به این ترتیب بسیاری از کسانی که در هاربین [چین]، ورشو [لهستان]، ریگا [لتونی]، بخارست [رومانی] و جاهای دیگر به دنیا آمده بودند ظاهراً به دلیل ارتباط با خارج تصفیه (اعدام) شدند. حتی اعضای حزب که از کشورهای دیگر آمده بودند (کراه‌ای‌ها، بلغاری‌ها، لهستانی‌ها، اوکراینی‌ها، روس‌ها و بقیه) به همین سرنوشت دچار شدند. تعداد بسیار زیادی (لهستانی، اوکراینی، و سایرین) به جرم عضویت در سازمان‌های «ملی‌گرا» یا «شبکه‌های جاسوسی» خارجی (آلمانی، ژاپنی، لهستانی) دستگیر و اعدام شدند (تقریباً همه این اتهامات ساخته و پرداخته پلیس مخفی بود). حکومت شروع به جمع‌آوری اطلاعات درباره همه اقوام «مظنون» در کشور کرد (از جمله اقوام آلمانی). اما همه این ماجراها در قیاس با آنچه به تصفیه بزرگ (یا وحشت بزرگ) معروف است رنگ باخت.

تصفیه‌های بزرگ

هیچ اجماع نظر پذیرفته شده‌ای درباره زمان دقیق شروع تصفیه بزرگ استالین وجود ندارد. بسیاری گمان می‌کنند تصفیه‌ها از همان زمانی شروع شد که اوکراین از قحطی و تصفیه سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۳ به شدت ضربه خورد. برخی مصرند تصفیه‌ها با قتل سرگئی کیروف، رئیس سازمان حزب لنینگراد، در دسامبر سال ۱۹۳۴ شروع شد. عده‌ای می‌گویند استالین آن را با اولین دادگاه نمایشی مسکو در اوت ۱۹۳۶ شروع کرد. عده‌ای هم شروع آن را تابستان ۱۹۳۷ می‌دانند، زمانی که به یقین عملیات وحشت گسترده آغاز شد. با این حال، بیشتر پژوهشگران هم‌نظرند که تصفیه بزرگ عملاً در پاییز ۱۹۳۸ متوقف گردید و این زمانی بود که نیکلای ییژوف، جلاّد اصلی استالین و رئیس پلیس مخفی، از مقامش برکنار شد. طی چهار سال از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۸، تقریباً دویلمیون نفر دستگیر شدند (فقط در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ بیش از ۱/۳ میلیون نفر). حدود ۷۰۰,۰۰۰ نفر از آن‌ها به مرگ محکوم شدند. هرچند این اطلاعات مطمئناً کامل نیست، ۹۹ درصد از احکام اعدام به سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ مربوط می‌شود. در سال ۱۹۳۷، ۴۴ درصد دستگیرشدگان و در سال ۱۹۳۸، ۵۹ درصدشان اعدام شدند، این تعداد در سال‌های ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶ کمتر از یک درصد است.

چه کسانی تصفیه شدند؟ قربانیان اصلی تصفیه غالباً از نخبگان روس بودند. از همه معروف‌تر سه دادگاه نمایشی مسکو (در سال‌های ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸) بود که بلشویک‌های برجسته محاکمه شدند (از جمله گریگوری زینوویف، لیف کامنف،



گیورگی پياتاکوف و نیکلای بوخارین)، بیشتر آن‌ها بلافاصله پس از محاکمه به جوخه اعدام سپرده شدند. آرشیوهای شوروی در دهه ۱۹۹۰ در دسترس عموم قرار گرفت، این اسناد نشان می‌داد هرچند احتمالاً نخبگان به

زنانی که در سال ۱۹۴۱ در حومه مسکو یونجه درو می‌کنند. مزارع اشتراکی، مانند نمونه‌ای که در عکس می‌بینید، یکی از بخش‌های سرنوشت‌ساز برنامه‌های سوسیالیستی استالین برای اتحاد شوروی بود. © Margaret Bourke-White/Time & Life Pictures/Getty Images.

دلیل شهرت و مسئولیتی که داشتند رنج بسیار بردند، اما در واقع «افراد بی‌اهمیت» — کارگران، دهقانان، و دیگر شهروندان «عادی» شوروی — اکثریت قربانیان را تشکیل می‌دادند.^(۳) کولاهایی که پیش‌تر سرکوب شده بودند، مجرمان، کشیش‌ها و دیگر عناصر سیاسی «نامطلوب» هدف خاص عملیات تصفیه گسترده در سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۸ بودند (که به عملیات کولاک معروف شد). بسیاری از افراد از جمله بیکاران و سالخوردگان که از لحاظ اجتماعی «غیرمولد» و وابسته تلقی می‌شدند همراه با دیگر گروه‌های هدف تصفیه شدند.

شدند. در برخی موارد حتی آن‌هایی که قبلاً به زندان افتاده بودند اعدام شدند، گویی حبس برای آن‌ها کافی نبود. همین‌طور گروه‌های قومی خاص (به‌ویژه «اقوام مهاجر») اتحاد شوروی مانند اقوام آلمانی، لهستانی، یونانی، لتونیایی، کره‌ای و چینی) هدف تصفیه در چند عملیات ویژه («عملیات‌های قومی») سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۸ بودند. بسیاری که به نحوی با گروه‌های هدف رابطه داشتند نیز تصفیه شدند. هرچند در این عملیات‌های گسترده گروه‌های بی‌شماری برای دستگیری و اعدام تعیین شده بود، در مسیر اجرا به سبب رقابت جنون‌آمیز عوامل پلیس مخفی، گروه‌های دیگری نیز به آن‌ها افزوده شد که استالین هم بر آن‌ها صحنه گذاشت، همین منجر به افزایش بیش از حد مواردی شد که هدف اصلی تصفیه محسوب می‌شدند...

تئوری‌های تصفیه

به اکثریت عظیم کسانی که در آن سال‌ها تصفیه شدند به عنوان قربانیان بی‌گناه دوران وحشت استالین اعاده حیثیت شده است. تصفیه بزرگ در اصل به چه منظوری انجام گرفت؟ بحث‌های پژوهشی بسیاری در این مورد انجام گرفته، اما پژوهشگران به اجماع نرسیده‌اند. بعضی تئوری‌های مهم قدیمی‌تر که به توضیح برخی از جنبه‌های تصفیه بزرگ پرداخته نتوانسته علت وسعت آن را توضیح دهد: این که استالین می‌خواست همه مخالفان پیشین را از سر راه بردارد، به‌خصوص بلشویک‌های قدیمی را که به لحاظ فکری تا حدی مستقل بودند، یا این که استالین می‌خواست جوان‌ترها را جایگزین نخبه‌های قدیمی کند. یک تئوری جدید آن است که تصفیه بزرگ بخشی از تلاشی عظیم برای مهندسی جامعه بوده است. به هر حال این همه کشتار آن هم فقط در دو سال (۱۹۳۷ و ۱۹۳۸) و لزوم کشتن افراد به جای حبس آن‌ها قابل توضیح نیست، چه رسد به اجرای «عملیات سراسری». تئوری دیگر آن است که استالین با نوعی تهدید داخلی فزاینده در کشور مواجه بود، به‌ویژه از سوی روستاییان ثروتمندی که اموالشان مصادره شده بود و خودشان تبعید شده بودند و عناصر دیگری که سرکوب شده بودند. با این همه معلوم نیست که آیا واقعاً چنین تهدیدی وجود داشته یا چنان بزرگ بوده که استالین به‌ناگاه احساس کرده مجبور است عملیات تصفیه گروهی را شروع کند. یک تئوری دیگر که چندان جدید هم نیست مدعی است این تصفیه‌ها حمله‌ای پیشگیرانه به دشمنان واقعی و خیالی بوده که امکان داشت در صورت جنگ با خارج تهدید سیاسی نگران‌کننده‌ای در داخل ایجاد کنند. به گفته منتقدان، این تئوری هم قادر به توضیح وجوه مختلف مهندسی اجتماعی تصفیه نیست. از این رو بحث همچنان ادامه دارد.

باید توجه داشت که استالین و عوامل او مانند ویاجسلاو مولوتف و لازار کگانوویچ هرگز در دفاع از تصفیه بزرگ به عنوان امری کاملاً لازم کم نیاوردند، گرچه اذعان کردند که برخی اشتباهات پیش آمده و افراد بی‌گناه هم

استالین و عوامل او ... هرگز در دفاع از تصفیه بزرگ به عنوان امری کاملاً لازم کم نیاوردند.

گرفتار شده‌اند. توجیه آن‌ها این بود که شوروی بدون تصفیه بزرگ در مقابل آلمان نازی از پای درمی‌آمد، زیرا «دشمنان داخلی خلق» در مقابل حکومت شوروی علم طغیان برمی‌افراشتند. این تصفیه بزرگ بود که پشت جبهه جنگ را حفظ کرد. چنین عذر و بهانه‌ای به همان شدت از سوی کسانی رد می‌شود که مدعی‌اند پیروزی کشور در مقابل آلمان نازی نه به سبب تصفیه‌های بزرگ یا رهبری استالین بلکه علی‌رغم تصفیه و علی‌رغم رهبری استالین بود.

واکنش جامعه شوروی در مقابل تصفیه بزرگ مسئله پیچیده‌ای است. ظاهراً عده‌ای از عملیات وحشت برای پاکسازی «دشمنان خلق» بدون هیچ تردیدی حمایت می‌کردند، در حالی که بقیه صرفاً از سیاست رسمی اطاعت می‌کردند. بسیاری از افراد در حال ترقی از تصفیه‌ها نصیب می‌بردند، اما کسانی هم بودند که می‌پرسیدند ثمرات این دیوانگی چیست. با این همه، موارد بسیار بسیار نادری از مخالفت آشکار وجود داشت زیرا حتی به آن عده از شهروندان شوروی که اعمال حکومت را نادرست می‌دانستند قضیه را حالی کرده بودند یا آن‌ها را ترسانده بودند، به نحوی که این شهروندان در کل نمی‌توانستند یا سعی نمی‌کردند بفهمند چه اتفاقی دارد رخ می‌دهد.

پس از تصفیه بزرگ

پاکسازی‌ها پس از تصفیه بزرگ به پایان نرسید. این پاکسازی‌ها به صورت محدود ادامه پیدا کرد. مناطقی که در سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۴۰ در اتحاد شوروی ادغام شد به کلی از وجود «بورژواها» و دیگر عناصر مظنون پاکسازی شد. جنگ با آلمان نازی موجب تشدید پیگرد جاسوس‌ها، افراد بدبین، فراریان و سایرین شد و بسیاری از افراد مظنون به همکاری پس از جنگ پاکسازی شدند. استالین که در زمان جنگ و پس از آن در وفاداری سیاسی بعضی از گروه‌های قومی (مانند چچن‌ها، تاتارهای کریمه، و بقیه) تردید داشت با کوچاندن آن‌ها از سرزمین مادری دست به پاکسازی قومی بی‌رحمانه‌ای زد. همه زندانیان جنگی شوروی و کارگران غیرنظامی‌ای که پس از جنگ از آلمان بازگردانده شده بودند به‌دقت زیر نظر قرار گرفتند و بسیاری پاکسازی شدند. در مناطق مرزی غربی،